



حسن پور شیرازی امسال با فیلم «پیر پسر» در بخش ویژه جشنواره حضور داشت



حسن پور شیرازی پدیده باز یگری جشنواره

مردی که محصول مزرعه خودش است

علیرضا محمودی

۴ روز است که نویسندگان سینمایی در شبکه‌های اجتماعی فارسی سونامی‌ای از ستایش به‌راه انداخته‌اند تا از قافله تحسین‌کنندگان حسن پور شیرازی عقب‌نمانند؛ همچون بغضی فروخورده که بعد از ۱۰ روز غر، لعن و نفرین به فیلم‌ها و بازی‌های متوسط نیازمند یک تشر بود تا بشکند و های‌های توصیف را به سمت بازیگر اول فیلمی از بخش ویژه جشنواره چهل و سوم جاری کند. انگار همه فیلم‌ها و بازیگرانشان در این ۱۰ روز تلاش کرده بودند تا ساکنان برج میلاد را تشنه و گرسنه این فیلم نگه دارند و اکتای بر اهنگی سفراهی بلند و خوانی پر نعمت برای آنها پهن کرده بود تا دهان‌های بازی‌های روزی نمانند. در وسط این سفراه اشتها بر انگیز حسن پور شیرازی خود یک وعده کامل است. کار به جایی رسیده که برخی به ستایش‌کنندگان حملات قلمی می‌کنند که چرا انرژی و توان خود را به جای ستایش از فیلم و بازیگرش صرف حمله به سانسور و ممیزی و اداره نظارت نمی‌کنند که جلوی نمایش فیلمی تا این حد اعجاب‌انگیز را گرفته است. این هم از عجایب سونامی ستایش از بازیگری است که تاکنون در کارنامه خود کوران ستایش را تجربه نکرده بود؛ کارنامه‌ای که امروز شاید مناسب‌ترین زمان برای بازخوانی آن باشد. «پیر پسر» را در حاشیه جشنواره نمایش داده‌اند، در حالی که از متن هم بیشتر دیده و پسندیده شده و بازیگر اولش بازیگری است که صفت تلویزیونی برای توصیفش امروز ناکافی به نظر می‌رسد.

حسن پور شیرازی بازیگر، صداپیشه، عروسک‌گردان، دستیار و همکار هنری انبوهی از کارهای تلویزیونی و سینمایی از دهه ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۰ است. از میانه دهه ۱۳۸۰ همه وقت او صرف بازی در سریال‌های تلویزیونی و چند پروژه سینمایی شد. تلقی عمومی از کارنامه پور شیرازی این بود که بازیگری بزرگ برای سریال‌های تلویزیونی و پیشنهادهای مناسب برای برخی نقش‌های مکمل است که

مهم‌ترین ویژگی آنها میان‌سال باشد. اما او قبل از بازیگری عروسک‌گردان قابل و صداپیشه متمایزی بود. از انبوه کارهای عروسکی‌ای که نام پور شیرازی در گروه‌شان قرار دارد، فراوان همکاری با ایرج طهماسب، مرضیه برومند و امیر قهرایی هست. او پای ثابت همه تولیدات قابل توجه تلویزیون ۲۰۰۰ دورانی است که عروسک‌ها محبوب‌ترین شخصیت‌های تلویزیون و سینما بودند. پس بعید نبود که آدم قابلی چون او بیکار و مترصد بازیگری در سینما باشد، ولی وقتی قرار شد پر بازیگرترین پروژه بهرام بیضایی ساخته شود، در میان انبوه نقش‌ها گروه‌بانی نغمه به پور شیرازی رسید؛ فیلمی که مانند یک آلبوم بخش مهمی از توان بازیگری تئاتر و سینمای ایران را بازتاب داد. در دهه ۱۳۸۰ پور شیرازی در سینما گزیده کار و در تلویزیون بازیگر ثابت نقش‌های ملودرام مطول و کوتاهی شد که به نام سریال و تله‌روانه آنتن می‌شد. دیگر در جام‌جم خبری از عروسک‌گردانی نبود. ۲۰ سال پیش حسن پور شیرازی تکخال خود را هر شب در سریالی رو کرد که سرنوشت خودش و چند نفر دیگر را در گون کرد. نرگس که به دلایل فرامتنی مدیران آی فیلم از تقاضای بی‌شمار بخش مجدد آن چشم‌پوشی می‌کنند، پدر نسل جدید سریال‌های ملودرام بود که پس از آن یکی پس از دیگری ساخته شدند. سریال سیروس مقدم از همان زمان تولید با در گذشت پوپک گلدره وارد فضای ملتهبی از توجه شد و یکی از ارکان حفظ این التهاب، نقشی بود به نام محمود شوکت که پور شیرازی آن را زنده کرد. اگر علیرضا طالب‌زاده با خلق «در پناه تو» در دهه ۷۰ ملودرام تلویزیونی را خلق کرد، شادروان مسعود پهنپانی نیا تولید انبوه آن را عملی کرد.

در روزگار رفاه اقتصادی نیمه دهه ۸۰ جدال پدر شوهر و عروس هر شب در خانه‌ها باعث تمدد اعصاب مخاطبان تلویزیون می‌شد. این رسم سریال‌هاست؛ داستان‌ها فراموش می‌شوند و بازیگرها به یاد می‌مانند. پور شیرازی در یادها ماند و نامش در ذهن‌ها حک شد، اما او قبل از سوز و گداز هنر

دیگری از آستین بزرگش بیرون آورد؛ بازی در دومین کمدی شاخص دارپوش مهرجویی توانست محل عرضه روی دیگر سکه بازیگر محبوب و عامل جدایی افکن ملودرام‌های آشک‌آور باشد. آقا یدالله، آپار تچی پاکبخته سینما نقشی بود دوخته شده برای تن حسن پور شیرازی؛ فقط آدم این کاره‌ای مثل محمدرضا شرفی نیا لازم بود تا مراسم رخت داماد انجام شود. او در این فیلم پرستاره جای مناسبی برای خود فراهم کرد. وقتی آنونس طبیعت بی‌جان را برای سرگرمی مهمانان شاخص همسرش تکرار می‌کرد، کمتر کسی در خاطرش مانده بود که صدای حسن پور شیرازی را روی آنونس فیلم دندان مار مسعود کیمیایی شنیده است. باید قبول کنیم که همکاری با بیضایی، مهرجویی، کیمیایی، طهماسب، برومند و مقدم از یک طرف و انبوه ملودرام‌های تلویزیونی در طرف دیگر باعث شده بود که انگار حق مطلب در باره پور شیرازی ادا نشود. انگار هنرهای او در صحنه و پرده دچار تعارف رایج بازیگر حرفه‌ای شده بود؛ بازیگری که کارش را می‌پسندیم، اما ستایش نمی‌کنیم. برای نخستین بار در میان همه کارهایی که حسن پور شیرازی به آنها دعوت شده بود، کوله بار معنایی فیلم بر دوش او گذاشته شد. در «پیر پسر» لیلا حاتمی، حامد بهداد و بابک حمیدیان و همه دیگران هستند تا پور شیرازی نقش اول را ایفا کند. او در میانه درامی مطول برای سینمای مقاطعه‌کار شده امروز سینمای ایران نقش را کنترت نکرده، بلکه تجربه ۳ دهه بازیگری شبانه‌روزی و بی‌وقفه همه آن سریال‌های بی‌در پی را در جیبش گذاشته و خیره شده به دوربین. «پیر پسر» همان نقشی را به حسن پور شیرازی رساند که او سال‌ها برایش تکه تکه تجربه جمع کرده بود. بگذارد کشف بزرگ ماژ جشنواره فیلم فجر در سال ۱۴۰۳ در ک متفاوت مردی باشد که سال‌هاست او را جور دیگری درک کرده بودیم. سونامی تحسین برای حسن پور شیرازی محصول سال‌ها حسن پور شیرازی بودن است.

ماضی بعید

سال از کرخه تا راین

اولین باری که همشهری اختتامیه جشنواره فیلم فجر را گزارش داد



روزنامه همشهری ۲۴ آذر ۱۳۷۱ روی پیشخوان روزنامه فروشی‌ها رفت. ۲۴ ماه بعد از آغاز انتشار روزنامه یازدهمین دوره جشنواره فیلم فجر به دبیری سیدمحمد بهشتی برگزار شد. فخرالدین انوار، رئیس سازمان سینمایی و علی لاریجانی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در این دوره بودند. روزنامه همشهری از ۱۲ بهمن در ۱۶ صفحه ویژه به مرور فیلم‌ها و اتفاقات جشنواره پرداخت. صفحات رنگی روزنامه و استفاده قابل توجه از عکس هنرمندان جلوه متفاوتی به همشهری نسبت به بقیه روزنامه‌ها که اخبار جشنواره را روزانه پوشش می‌دادند، داده بود. یکی از بخش‌های جالب این صفحات گفت‌وگوی روزانه با منتقدان و فیلمسازان درباره فیلم‌های جشنواره بود. تعدادی از صفحات را تماشا کنید و نظرات منعکس شده هنرمندان و منتقدان درباره فیلم‌ها از صفحات روزنامه همشهری در دهه فجر ۱۳۷۱ را بخوانید.

سینما بی سینما
● مسعود فرامتنی (مجله سورمه) باز باران - عیار - مردی در آینه - دو همسفر - راه و بیراه و... همه اینها به اضافه مخدر. سینما بی سینما. تا این جای کار به نظر من اینست. البته دو همسفر فیلمی است که می‌توانست بد نباشد اما در نیمه و بد نباشد است. با این وجود با بقیه فیلم‌های آینه عبرتی قابل مقایسه نیست.

دوست‌داشتنی‌ترین فیلم
مهمترین ویژگی کار جدید کیمیایی زنده گسودان یک سینمایی حس و دوست داشتنی است. سینمایی که در آن منطق و منطق فلسفی نقشی ندارد. سینمایی که اگر فلسفی عشقش بگذرد هر منطق را سوار بر آب می‌کند و می‌گذرد چند دقیقه کنار می‌نشیند و چه خوب می‌نماید. سینمایی که در آن آتش فیلم و تصویرای نیروز روی نالیوی لذت‌بخش دیواری بیشتر از تبخیر کالامیای جلب توجه می‌کند. سینمایی که با حس ساخته شده و حس همه چیز در هر پلان به نمایش‌های منقل می‌شود. بعد از فهمی و گونا، و در پای گرگ دوست داشتنی‌ترین فیلم کیمیایی است. فردیون جیرانی

استقبال جوانان از سینما بی نظیر است
در جشنواره، من ترجیح می‌دهم بیشتر فیلم‌های خارجی را ببینم که انگار دیدنشان در فرصت‌های دیگر وجود ندارد. برای چندمین بار فیلم‌های کارل درایر را دیدم. فرصتی بود که بار دیگر در آنسوونه را ببینم. جز فیلم یک مرد یک حرفی‌هوز فیلم ایرانی دیگری ندیدم، اما حتماً فیلم‌های هنر پخته، سارا، رهایی کرد و... سینه‌های محمود را خواهد دیدم. و یک مرد یک حرفی‌هوز فیلم بسدی نبود. انگار آنکه البته دلت اما کارگردان بهر حال رحمت کشیده بود. الان بیشتر از این نوحه است. امین تارخ



در پیر پسر لیلا حاتمی، حامد بهداد و بابک حمیدیان و همه دیگران هستند تا پور شیرازی نقش اول را ایفا کند. او در میانه درامی مطول برای سینمای مقاطعه کار شده امروز سینمای ایران نقش را کنترت نکرده، بلکه تجربه ۳ دهه بازیگری شبانه‌روزی و بی‌وقفه همه آن سریال‌های بی‌در پی را در جیبش گذاشته و خیره شده به دوربین